

رساله‌ای در باب

آینه

آزاداندیشی

دکتر مهدی مطهری

ویراستار: علی رفیعی



سرشناسه	: مطهرنیا، مهدی، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: رساله‌ای در باب آینده آزاداندیشی / مهدی مطهرنیا؛ ویراستار علی رفیعی.
مشخصات نشر	: تهران : دانش‌پرور، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۸ ص.؛ مصور، نمودار.
شابک	: 978-600-123-131-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۳۹۷] - ۴۰۴.
موضوع	: آزاداندیشی
موضوع	: Free thought
موضوع	: آزاداندیشی -- تاریخ
موضوع	: Free thought -- History
نسخه از روده	: رفیعی، علی، ۱۳۵۴ - ویراستار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ هـ/م/۵/۲۷۴۷/۵۱ BL
رده بندی دیو	: ۳۱۱/۴
شماره کتابشناسی	: ۴۹۴۵۱۳



نام کتاب: رساله‌ای در باب آینده‌ی آزاداندیشی

دکتر مهدی مطهرنیا

ویراستار: علی رفیعی

ناشر: دانش‌پرور

ناظر چاپ: محمدرضا اشرف‌الکتابی

صفحه‌آرا و طراح جلد: رحیم کبیرصاحب

هماهنگی و تولید: جلال جلیلود

لیتوگرافی: چاووش

چاپ: هادی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۳-۱۳۱-۵

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

مراکز پخش: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان ابوریحان، کوچه عنصری، پلاک ۲۶، طبقه ۱

تلفن: ۶۶۴۴۶۶۲۷۷ - ۶۶۹۵۲۶۲۷

خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب، پلاک ۱۵

تلفن: ۶۶۴۱۳۵۳۹

ایمیل: daneshparvar222@yahoo.com

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹
مقدمه: در وصف آزاداندیشی	۱۱
بهره نخست: آزاداندیشی در ژوآندیشی	۱۷
فصل یک: در معنا و مفهوم آزاداندیشی	۱۷
فصل دو: در قلمرو آزاداندیشی	۲۳
فصل سه: در تبار آزاداندیشی	۴۵
فصل چهار: در جایگاه آزاداندیشی	۸۱
فصل پنج: در ظرفیت‌های آزاداندیشی	۸۹
فصل شش: در خروجی‌های آزاداندیشی	۹۳
فصل هفت: در پیامدهای آزاداندیشی	۹۷
فصل هشت: آزاداندیشی به مثابه یک ارزش و یک روش	۱۰۱
بهره دوم: پنداشته‌هایی در باب آزادی	۱۰۹
فصل یک: آزادی از دریچه نگرش پیرزمانه‌ی آن یا در اندیشه‌ی کلاسیک	۱۲۳
فصل دو: آزادی در بستر قرون وسطی و انگاره‌های ماوراءالطبیعه	۱۲۷
فصل سه: آزادی در عصر رنسانس و روشنگری، ظهور مونارکوماک‌ها	۱۳۱
فصل چهار: آزادی در پیشاتقلاب فرانسه یا پیشامدرن	۱۶۳
فصل پنج: آزادی در پسانقلاب فرانسه یا عصر مدرن	۱۷۵
فصل شش: آزادی در دوران پسامدرن	۱۸۳

پیش‌گفتار

نگارش این کتاب به مهم‌ترین پریشانی - دغدغه - زندگی نگارنده بازمی‌گردد. دلواپسی‌ای که در آستانه سالگی و در برابر دیدگان، آشکارا خودنمایی می‌کند. این دلهره، به مثابه ستون فقرات - بات‌پاک‌همه‌ی آدمیان در زمانه‌های گوناگون، جلوه می‌نماید. آن‌هایی که این پریشانی را بازپس‌نگرفته‌اند از آدمیت به انسانیت و فراموشی‌های ناشی از گریز یا عبور از کنار آن دچار شده‌اند.

آزادی و آزادگی، ستون فقرات زیبا - آنگاه که انسان‌ها هستند که در زمین، انعکاس یافته‌اند. پژواک زمینی همین معانی حول محور این مفاهیم مرکزی و دال متعالی است که حیات آدمی را معنادار و تعریف‌پذیر می‌کند. بدون این ستون فقرات و مهره‌های آن، زندگی آدمی در بهترین تصویر ممکن، ترسیم‌گر «زندگی‌اندازه» است. آزادی به مثابه ستون فقراتی است که «سلام»، «عدالت» و «صلح»، این زیبا و انبساط‌بخش انسانی به زمین آمده را معنادار و تعریف‌پذیر می‌نماید. «آدمی» موجودیتی است که سوا این ستون فقرات معانی، هستمندی یافته و از دیگر موجودات تمییز داده می‌شود.

بدون آزادی، «سلام» به عشق نمی‌انجامد؛ «عدالت» به قسط نمی‌رسد و «صلح» به سلامت امنیت آدمی منتهی نمی‌گردد. آزادی از این جهت بر همه‌ی این زیبا و ازگان پیشی دارد. بدون وجود آزادی و احترام به آزادگی انسان، هیچ نیتی عمق نمی‌پذیرد؛ هیچ رفتاری گستره نمی‌یابد و هیچ کنشی ارتفاع نمی‌گیرد.

جهت‌گیری نگارش‌های این سال‌های نگارنده به سمت پرواداری آینده، موجب شد که با تشویق دوست بزرگوارم دکتر طه هاشمی، به نگارش این متن روی آورم.

به واسطه‌ی مطالعه متن توسط ایشان و هاشم‌نگاری پرسش برانگیزش، او را باید به رسم دوستی، شریک نگارش این سطور بخوانم. از این‌رو از وی بسی سپاسگزارم؛ به یاد داشته باشیم که گاه وجود دوستان می‌تواند برای انسان بسی شوق برانگیز و انگیزه‌ای برای حرکت باشد.

از والدینم، پدر به آن‌سوی زمانه‌ی زمینی سفر کرده‌ام و به ویژه مادر نایبم که-او پیش از بدر از این زمانه‌ی زمینی عبور کرد- آزادی را نه با شعار، که با شعور جاری در دربه‌دیده‌ی آن حلال به من آموختند، بسی سپاسگزارم. روح آنها شاد و قرین رحمت همی باد.

از ناشر کتاب، آقایان جلال جلیوند و محمدرضا اشرف‌الکتابی مدیر محترم نشر دانش‌پرور که زمینه‌ی انتشار این کتاب را فراهم آوردند، بسی سپاسگزارم. ضمناً از ویراستار محترم، آقای علی‌رضا، به دلیل دقت نظر ایشان در مطالعه چندباره متن کتاب و برطرف نمودن ایرادات ادبی و فنی آن سپاسگزارم. بدیهی است طراح طرح جلد نیز شایسته تشکر خواهد بود.

از همه شما عزیزان صاحب‌کمال نیز که کتاب را در دست گرفته‌اید تا واژگان موجود در آن را به کنکاش نهشته و پیام‌های پنهان در گزاره‌های موجود در آن را کشف و درستی و نادرستی آنها را به قضاوت نشینید، از همه سپاس دارم.

محمّد مطهرنیا

تهران، کرانه کن

مقدمه: در وصف آزاداندیشی

«فکر را بدهید»

و نترسید که از سس، تیده برود بالاتر

«فکر باید پیر»

برسد تا سر کوه تردد

و ببیند که میان افق باور و کفر و ایمان چه به هم نزدیک اند

«فکر اگر پَر بکشد»

جای این توپ و تفنگ، این همه جنگ

سینه‌ها دشت محبت گردد

دشت‌ها مزرع گل‌های قشنگ

«فکر اگر پَر بکشد»

هیچ کس کافر و ننگ و نجس و مشرک نیست

همه پاکیم و رها

همه یک نقطه پایان تفکر داریم

«اسم آن هست خدا»

«نامشخص»^۱

۱. این شعر از لحاظ استخوان‌بندی، به شعر نیمایی نزدیک است؛ اما گروهی سراینده آن را صائب دانسته‌اند و عده‌ای نامشخص

خوانده‌اند. برخی سیمین بهبهانی و برخی سهراب سپهری و خلاصه تو خود حدیث مفصل بخوان از این مُجمل.

بارها و بارها بوده است که آزادی را زیباترین واژگان آسمانی دیده‌ام. آزادی در زمین، زندانی زمانه‌ی زمینی زندگی آدمیانی شده است که در افسون این زندگی سخت گرفتار آمده‌اند؛ واژه‌ای که مظلومیتش یادآور بزرگ‌ترین رنج‌های تاریخ است. بهتان‌ها، زجرها و شکنجه‌های بسیاری را تجربه کرده است. مجالس بس مهمی را به نام خود دیده است و به کام دیگران، بازیافته است. این واژه‌ی بس زیبا، چون قوی سپیدی است که بر بستر دریاچه‌ی بهشتی حیات، آرام آرام می‌لغزد و شناکنان به دنبال آن، شتر را عشق آرام است؛ اما همواره از گوشه‌ای شکارچیان آزادی، برای حصول به منفعت‌ها، تعریف‌شده‌ی مادی و غیرمادی شکار، زیبایی آرامش‌اش را بر هم زده و زایش عشق آرام در برکه‌ای زیبا را از او برگرفته‌اند. از این رو است که شب مرگ آزادی، او به قوی سپید زیبای برکه‌ی زندگی، در هنگامه‌ی مرگ به گوشه‌ای دور می‌رود و تنها می‌ماند.

داستان مرگ بسیاری از آزاداندیشان آزادگان جهان در تلی از آتش، رقصیدن بر بالای دار، سر به باد دادن در زیر گیوین، رسیدن جام شوکران، یا تحمل خنجر در پهلوی و سینه و... از همین دست است. داستان قوین زیبا که فریبنده زاد و فریبا می‌میرد.

شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد

فریبنده زاد و فریبا بمیرد

شب مرگ تنها

نشیند به موجی

رؤد گوشه‌ای دور و تنها بمیرد

در آن گوشه چندان غزل

خواند آن شب

که خود در میان غزل‌ها بمیرد

گروهی برانند که این مرغ

زیبا

بارها و بارها بوده است که آزادی را زیباترین واژگان آسمانی دیده‌ام. آزادی در زمین، زندانی زمانه‌ی زمینی زندگی آدمیانی شده است که در افسون این زندگی سخت گرفتار آمده‌اند؛ واژه‌ای که مظلومیتش یادآور بزرگ‌ترین رنج‌های تاریخ است. بهتان‌ها، زجرها و شکنجه‌های بسیاری را تجربه کرده است. مجالس بس مهمی را به نام خود دیده است و به کام دیگران، بازیافته است. این واژه‌ی بس زیبا، چون قوی سپیدی است که بر بستر دریاچه‌ی بهشتی حیات، آرام آرام می‌لغزد و شناکنان به دنبال آن، بشر را به عشق آرام است؛ اما همواره از گوشه‌ای شکارچیان آزادی، برای حصول به منفعت‌ها، تعریف‌شده‌ی مادی و غیرمادی شکار، زیبایی آرامش‌اش را بر هم زده و زایش عشق آرام در برکه‌ای زیبا را از او برگرفته‌اند. از این رو است که شب مرگ آزادی، او به لب می‌سپد زیبای برکه‌ی زندگی، در هنگامه‌ی مرگ به گوشه‌ای دور می‌رود و تنها می‌ماند.

داستان مرگ بسیاری از آزاداندیشان، آزادگان جهان در تلی از آتش، رقصیدن بر بالای دار، سر به باد دادن در زیر گیوین، رسیدن جام شوکران، یا تحمل خنجر در پهلوی و سینه و... از همین دست است. داستان قوی زیبا که فریبنده زاد و فریبا می‌میرد.

شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد

فریبنده زاد و فریبا بمیرد

شب مرگ تنها

نشیند به موجی

رود گوشه‌ای دور و تنها بمیرد

در آن گوشه چندان غزل

خواند آن شب

که خود در میان غزل‌ها بمیرد

گروهی برانند که این مرغ

زیبا

کجا عاشقی کرد آنجا بمیرد
شب مرگ از بیم جان آنجا شتابد
که

از مرگ غافل شود تا بمیرد
من این نکته گیرم که باور نکردم
ندیدم که

قوی را صحرا بمیرد
چو روزی ز آغوش ریا برآمد
شبی هم در آغوش ریا
بمیرد

تو دریای من بودی آغوش و امن
که می‌خواهد این قوی زیبا بمیرد.

داستان دوباره و صدمبار آغوش گشادن آزادی و آزادگان، به سوی مرگ، داستان قوی سپید برکه‌ی زیبای حقیقت در گوشه‌ی برکه‌ی بدگی است. در این میان، آزاداندیشی «تخم طلایی» قوی سپید آزادی است که دست‌رآر حیات آرام و زیبای قوی سپید آزادی و آزادی را در برکه‌ی حیات آدمی وعده می‌دهد. این تخم طلایی همواره تاریخ، هدف شکم‌بارگی روباها، دغل‌باز و لاشخورها، مدیریت جنگل تاریکی بوده است. اکنون با درهم تنیدگی عناصر زمان و مکان در پرتو گسترش ارتباطات، واقعیتی موازی به نام «فضای مجازی» ایجاد شده است که گستره‌ی جدیدی از حیات بشری را برای آزمایش آزادی برمی‌انگیزاند. کوشش حاضر بر آن است تا با دردید داشت اهمیت آزادی در آینده‌ی حیات آدمی، به بررسی آینده‌ی آزاداندیشی بپردازد یا «فرپندار»^۲ های فراوی آزاداندیشی را به نگارش درآورد.

۱. سراینده: زنده‌یاد دکتر مهدی حمیدی

۲. فرپندار، معادل فارسی واژه «سناریو» Scenario می‌باشد.

اما قبل از انجام چنین مهمی، به بهره‌هایی در این باب خواهیم پرداخت. آزاداندیشی در پژوهاک اندیشه، پنداشته‌هایی در باب آزادی، چالش‌ها، بحران‌ها و آسیب‌شناسی آزادی و فصول موجود در آن‌ها به مثابه مستندات تحلیل برای دستیابی به پیشران‌ها و شناخت نسبی روندهای حاکم بر آینده‌ی آزاداندیشی مورد ژرفا انگاری قرار می‌گیرد.

www.ketab.ir